

در آن جا که حسین (علیه السلام) در صحنه است،
اگر در صحنه نباشی هر کجا می خواهی باش،
چه ایستاده به نماز چه نشسته به شراب،
هر دو یکی است.



ویژه نامه محرم



مجلس پنجم



دست شد قطع، ولی دل ز عموقع قطع نکرد
حیف چون سقا دو دستم هدیه بر زهر انداخت...

کریلا رفتن سخت است...

کریلا رفتن سخت تر!

تازفت ای شوق رفتن داری...

تازفتی شوق مردن!

کریلا رفتن همامی دانند:

بعد از کریلا روضه حسین (علیه السلام)؛

حکم زهر در دل بری دل لورق شد ز لور!

آخر اینجا:

دیگر عباس (علیه السلام) نیست:

تالارم شوی در حریم امنش...

تقدیم به آستان مقدس حضرت قائم (هجری)



یکی از شاگردان آیت الله بهاء الدینی نقل می کند که سال های سال در قنوت سرور گرامیمان آقای بهاء الدینی، آیات قرآن و دعا های مرسوم را می شنیدیم. اما به ناگاه روش ایشان تغییر کرد و در قنوت فقط دعای " اللهم کن لولیک..." را زمزمه می کردند. وقتی علت را از ایشان پرسیدم، در یک جمله فرمود:

امام عصر ارواحنا فداه پیغام دادند که در قنوت دعا کنید.

پیام گیر ما خراب است و گرنه این پیام برای تک تک ما نیز صادر شده است. همت کنیم تا قنوت ها را با خواندن نام عزیز ترین انسان با ارزش کنیم.



همه لطف هیئت به منبره...
شعور در شور...



شنیده اید که بعضی ها می گویند: من بچه بودم، مادرم در دهه ی عاشورا، مرا پای روضه ها شیر می داد؛ در گوش من « حسین حسین » می خواند. بعد آرام آرام با همین ذکر بزرگ شدم و بالا آمدم؟! با «شیر» در دلم شد و با «جان» به در شود! من بالاتر از این می گویم: مسأله، چیز دیگری است. در یک فراز و دید بالاتر، می بینیم این پیوند، به اصطلاح روز «ژنتیکی» است. یعنی « مِنَ الْأَزْلِ إِلَى الْأَبَدِ؛ مِنَ الْأَدَمِ إِلَى الْخَاتَمِ إِلَى الْقِيَامَةِ » این رابطه و پیوند برقرار است. مسأله ی حسین علیه السلام، یک مسأله عادی نیست! یعنی شخص او در تمام ابعاد وجودی اش، وجود عینی اش، ذهنی اش، لفظی اش و کتبی اش اثر و نفوذ دارد که این را هم خدا به او داده است. مسأله را نباید سطحی دید. تمام این ها حساب شده است.

پیوند با امام حسین علیه السلام، یک مسأله عادی نیست و همین باعث پایداری در دین می شود.

بر گرفته از کتاب: سلوک عاشورایی
(منزل پنجم - دین و دینداری)
اثر: حضرت آیت الله العظمی حاج آقا
محبتی تهرانی (رحمه الله علیه)

انتقادات و پیشنهادات خود را به
آدرس زیر ارسال نمایید:
sangareasamani.110@gmail.com

کل اُرضی کربلا...
همین بس تا باور کنیم
خدا ما را دوست دارد...

سکینه

اثر: محمدرضا رنجبر



ای دل تو چه می‌کنی؟ می‌مانی یا می‌روی؟
داد از آن اختیار که تو را از حسین جدا کند...

کربلای جبهه ما یادش بخیر...



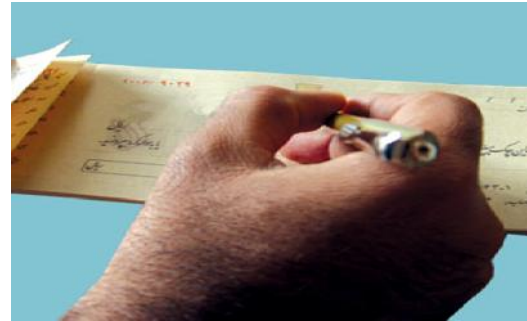
روحانی شهید محسن درودی

بچه محلمان بود. خیلی قشنگ مداحی می‌کرد. با یه عده طلبه اومدند قم، همه شهید شدند الا محسن. این اواخر حال دیگه‌ای داشت. روزها خندان بود، شب‌ها تا صبح گریه می‌کرد. می‌گفت: «همه کارهام رو کردم. دیگه نگرانی ندارم مگر یه چیز، اون هم اینکه ارباب راضی بشه.» خواب امام حسین(ع) رو دیده بود. آقا بهش گفته بود: «کارها رو بکن، این بار دیگه بار آخره.»

یه سربند داده بود به یکی از رفقا، گفته بود شهید که شدم ببندیدش به سینه‌ام. آخه از آقا خواستم بی‌سر شهید شم.

با چندتا از فرماندهان رفته بود توی دیدگاه. گلوله ۱۲۰ خورده بود وسطشون. جنازه‌اش که اومد سر نداشت. سربند رو بستیم به سینه‌اش.

روی سربند نوشته بود: **انا زائر الحسین.**



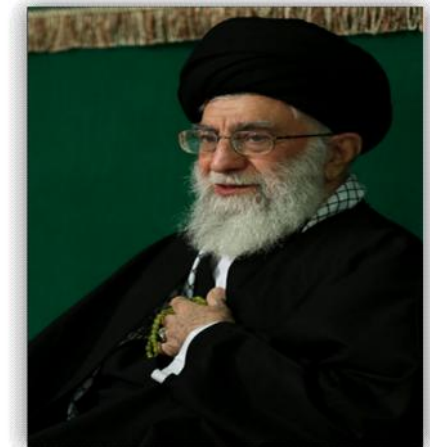
چک

بعضی چک‌ها دو امضا دارند و تا امضای دوم پای چک نباشد، چک پاس نمی‌شود. اتفاقاتی که قرار است توی دنیا بیفتد مثل چکی است که دو امضا داشته باشد، هم باید ما بخواهیم و هم خدا، و تا اون نخواهد، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. این بود که شب و روز عاشورا، حضرت بر خدا تکیه و تأکید می‌کرد و با گفتن این جمله انرژی می‌گرفت.

ما شاء الله

یعنی هر چه خدا خواست همان می‌شود. و البته هر چه خدا بخواهد شیرین است. آنچه آن خسرو کند شیرین بود و راستی اگر همین حقیقت در زندگی ما وارد شود، چه آرامشی به ما دست می‌دهد. یعنی انسان باور کند که هیچ اتفاقی در زندگی ما نمی‌افتد و هیچ کس نمی‌تواند به ما آسیبی برساند، مگر آنکه خدا بخواهد.

و البته اگر خدا بخواهد، مایه سود و سعادت است.



این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم یا نه؟ امام سجاد توانست در همان چند ساعت گنج عاشورا را استخراج کند. امام باقر و ائمه بعد از ایشان هم استخراج کردند و آن - چنان این چشمه جوشان را جاری نمودند که هنوز هم جاری است و همیشه هم در زندگی منشأ خیر بوده، همیشه بیار کرده، همیشه درس داده و یاد داده که چه کار باید کرد. الان هم همین طور است. الان هر کدام از ما هر جمله‌ای از عبارات امام حسین(علیه السلام) را که برایمان مانده، می‌خوانیم، به یاد می‌آوریم و احساس می‌کنیم که روح تازه‌ای می‌گیریم و حرف تازه‌ای می‌فهمیم.

Khamenei.ir